

”فاتحان خیبر“، رزمایش یک حکومت مستاصل است!

درباره تنش آفرینی جمهوری
اسلامی در مرزهای شمال کشور

محسن ابراهیمی

رزمایش "فاتحان خیبر" در مرز جمهوری آذربایجان، در واقع رزمایش شکست خوردگان سیاسی مفلوک در مقابل جامعه سراپا خشم و مصمم است. جامعه ای که در دو بار خیزش سراسری پنج سال گذشته فقط نوک کوه یخ را به این "فاتحان" نشان داد.

رزمایش "فاتحان خیبر" تنها چیزی که ندارد همان فتح است. این تقلایی است که انزوای سیاسی در جهان و منطقه و مهمتر از آن انزوای مطلق سیاسی در خود ایران و در میان شهروندان را میخواهد با نشان دادن تانکها و توپها در مرزها البته با چاشنی یک دنیا رجزخوانی که آخوندها در آن استاد مسلم هستند پاسخ دهد.

همان روز اول تنش، نماینده خامنه ای در اردبیل خطاب به دولت آذربایجان گفت که با دم شیر بازی نکند. دار و دسته علی اف هم پاسخ دادند که این دم رارامی چینند. این رجز خوانی متقابل در خود ایران که مردم میخواهند سر به تن جمهوری اسلامی نباشد حتما که خریدار ندارد. اما تمام مساله این است که در پشت این لفاظی درباره شیر و دمش، مساله بر سر این است که جمهوری اسلامی سر مار اسلام سیاسی است و در هم کوبیدن سر این مار هم کار مردم ایران است که مدتهاست دست به کار شده اند. سر مار آنهم در داخل در خطر است و دارند دم شیری خودساخته را به جهان نشان میدهند. رزمایش فاتحان خیبر از ترس

این مردم، در مقابل این مردم و برای مشغول کردن آنهاست. رزمایشی در مرزها علیه مردم درون مرزهاست.

نگاه کنید به موقعیت جمهوری اسلامی در منطقه:

در شرق طالبان را به قدرت رسانده اند که جمهوری اسلامی هم در این ماجرا نقش پادویی سیاسی را ایفا کرد. ظاهراً آمریکا منطقه را ترک کرده است و به جایش همتایان سنی جمهوری اسلامی سرکار آمده اند و پس اسلام علی العموم قدرت گرفته است. اما طالبان شاخه سنی ارتجاع اسلامی است که رئیس تبه کارش را امیرالمومنین مسلمین جهان می

داند. صندلیی که رهبر تبه کار دیگری به نام
خامنه ای آن را در اشغال خود میداند.

در غرب عراق هست که برای مدت طولانی
به حیات خلوت جمهوری اسلامی تبدیل
شده بود اما به سرعت دارد از دست میرود.
حتی آخوندهای سر به جمهوری اسلامی مثل
مقتدا صدر هم برای جمهوری اسلامی تره
خورد نمی کند. چرا؟ چون یک جنبش بزرگ
اجتماعی در عراق شکل گرفته است که به
جمهوری اسلامی همراه دولتهای فاسد عراق
به مثابه دشمن مشترک نگاه میکند. جنبشی
که هرگاه به خیابان راه پیدا میکند، سر راهش
کنسولگریهای جمهوری اسلامی و پوستر خامنه
ای و قاسم سلیمانی را به آتش میکشد. کمی

آنطرفتر در لبنان هم جنبش اعتراضی مردم خواهان کوتاه کردن دستان خونین جمهوری اسلامی است. در خود سوریه که ظاهراً یک حلقه محکم "محور مقاومت" است، هفته ای نیست که مقرهای جمهوری اسلامی با چراغ سبز خود روسیه بدست اسرائیل ضربات سنگینی نخورد. همان اسرائیلی که اسناد هسته ای جمهوری اسلامی را از بیخ گوش خامنه ای جمع میکند و به اسرائیل میبرد.

در جنوب چه خبر است؟ "توافق ابراهیم"، اسرائیل و عربستان سعودی و شیخ نشینهای خلیج را به هم نزدیک کرده است تا در مقابل فرزند شیعی همان ابراهیم متحد شوند.

و بالاخره در مرز شمالی اوضاع چطور است؟
یک باره اردوغان و علی اف و عمران خان سه
برادر شدند و رزمایش مشترک "سه برادر"
را در قفقاز جنوبی و کنار دریای خزر راه
انداختند. اگر سطح بالای مناسبات نظامی و
امنیتی اسرائیل با جمهوری آذربایجان را هم
در کنار رزمایش "سه برادر" قرار دهیم، عملاً
یک "توافق ابراهیم" دیگری در شمال غربی در
حال شکل گرفتن است که چهار برادر دارد و
این بار هم نه تنها از فرزند "ناخلف" شیعی
ابراهیم خبری نیست و بیش از پیش تک افتاده
است بلکه اصولاً اقدامی برای چیدن دم این
برادر در منطقه است.

چین و روسیه هم که تخم مرغهای جهانی

جمهوری اسلامی تماما در سببشان ریخته شده است، روزی نیست که چند تا از این تخم مرغها را نشکنند. طوری که دیگر خود سران جمهوری اسلامی هم در باره اش آه و ناله میکنند.

به اینها اضافه کنید موقعیت جهانی تر جمهوری اسلامی. حکومتی که رئیس جمهورش از ترس تعقیب کیفری و اعتراضات جهانی به اجلاس جهانی سازمان ملل قدم نگذاشت. حکومتی که به برجام شدیداً احتیاج دارد اما بن بست پشت بن بست نصیبش میشود.

این موقعیت جمهوری اسلامی را در نظر بگیرید و برگردیم به حکم اول این یادداشت. اینکه

رزمایش "فاتحان خیبر" در واقع رزمایشی در
مرز اما علیه مردم درون مرز است. رزمایش
یک رژیم منزوی شده در منطقه و منفور و
ورشکست در داخل و علیه مردم همان داخل
است. شاخ و شانه کشیدن از سر ضعف و انزوا
است. همانطور که بمباران مقرهای اپوزیسیون
در داخل اقلیم کردستان هم چنین مضمونی
دارد.

رابطه تنش آفرینی و توپ و تانک نشان دادن
در مرزها با اوضاع داخلی جمهوری اسلامی
چیست؟

واقعیت این است که بحران مزمن سیاسی
داخلی جمهوری اسلامی بارها به بحران

حکومتی فعال تبدیل شده است به این معنا که مستقیماً قدرت سیاسی جمهوری اسلامی و حاکمیت اسلامی به چالش کشیده شده است. بقای سیاسی جمهوری اسلامی از طرف مردم معترض در خطر جدی قرار گرفته است. در چنین وضعی، از نظر استراتژیست‌های حکومت اسلامی، ظاهر شدن به مثابه یک قدرت مهم و مطرح در منطقه میتواند به بقای حکومت کمک کند. حفظ و تقویت "محور مقاومت" می‌تواند فروپاشی و سقوط کامل را عقب بیندازد. حکومتی که در داخل با جنبش قدرتمندی برای ساقط کردنش مواجه است، به حضور قدرتمندش در منطقه به مثابه یک رکن مهم استراتژی بقا در داخل نگاه میکند. دقیقاً برعکس مردم که انزوای سیاسی جهانی

جمهوری اسلامی، دستشان را برای به زیر کشیدن حکومت بازتر میکند.

حکومت اسلامی در ایران در شیب تند فروپاشی و سقوط و در جهان در سرازیری تند انزوای سیاسی قرار گرفته است. رزمایش "فاتحان خیبر" مثل خیلی از نمایش قدرتهای مضحک قبلی مثل حملات توخالی سلحشوران جان برکف اسلام به پایگاه عین الاسد در عراق - با اطلاع قبلی خود آمریکا! - و البته همراه با وراجیهای توخالی و مضحکتر سران حکومت اسلامی همه تقلاهای حکومت اسلامی برای زنده نگه داشتن "محور مقاومت" در منطقه، برای کند کردن انزوای منطقه ای و جهانی است.

مستقل از اینکه حکومت اسلامی چقدر واقعا با توپ و تانک هوا کردن در مرزها بتواند موقعیت قدرتمندی در منطقه دست و پا کند که به نظرم من به خاطر معادلات و فاکتورهای پایه ای تر نخواهد توانست، مساله این است که در هر صورت شبیح سرنگونی از بالای سر این حکومت کنار نخواهد رفت.

در تاریخ، کم نیستند دولتهایی که با تحریک هیجانانگیز ملی، مردم تحت ستم را قربانی منافع خود کرده اند. اما جمهوری اسلامی حکومتی است که از منظر مردم دشمن درجه یک است. اولین و مهمترین دشمن است. تباه کننده همه جلوه های زندگی مردم است. تجسم ارتجاع و

عقب ماندگی و رذالت و جنایت است. حکومتی که در داخل ایران با مردمی در کمین نشسته مواجه است، ابلهانه تصور میکند که با رزمایش در مرزها و دشمن دشمن کردنها و وعده پایان حیات اسرائیل میتواند خودش را نجات دهد. دارند آب در هاون می کوبند.

میتوان سؤال کرد که آیا سران حکومت این حقایق را درک نمیکنند؟ حتی اگر هم درک کنند هنوز مجبورند تیر پرتاب کنند شاید به هدف بخورد. باضافه، آقازاده ها و سربازان گمنام امام زمان، خیل مفتخوران در دستگاه عریض و طویل امنیتی و اطلاعاتی و سیستم قضایی فاسد آدمکش و انواع نیروهای سیرکوب و نهادهای اسلامی را باید سر خط نگه داشت.

باید روحیه شان را حفظ کرد. اینها تنها "پایه اجتماعی" حکومت هستند. شاید حداقل کاری که عملیاتی مثل "فاتحان خیبر" میتواند انجام دهد همین باشد.

ولی این هم آب در هاون کوبیدن است. جنبشی که حکومت اسلامی را مدتهاست به چالش کشیده است، وقتی قدرت بگیرد که خواهد گرفت، این صف را همراه کلیت حکومت اسلامی مثل یک خانه مقوایی در هم خواهد شکست! ***

۱۰ مهر ۱۴۰۰ - ۲ اکتبر ۲۰۲۱

وب سایت:

www.wpiran.org

تماس با حزب:

پیامگیر تلگرام: **wpi_tamas@**

و یا با ارسال پیام به شماره

۰۰۴۶۷۰۰۴۴۷۴۲۵

از طریق سیگنال، واتساپ و تلگرام و اینستاگرام